

# موسیقی ایران از دوران کهن و عهد نجاشی

علی سامی

نواختن چنگ . در گور ملکه «شوب آد» ضمن کاوشهای باستان‌شناسان انگلیسی همراه ملکه ، اشخاصی نیز دفن شده‌اند که در صف بانوان ، یک نوازنده چنگ که تاجی بر سردارد با چنگ خود دیده شده است.<sup>۳</sup>

در تورات کتاب دینی قوم یهود ، منعکس است که حضرت داود پیغمبر آن قوم صدای خوبی داشته و سرایندگان و نوازندگان بسیاری در خدمت او بوده‌اند و نغمه داودی معروف است . زبور با آهنگ مخصوص خوانده می‌شده است و از مندرجات این کتاب به پایه موسیقی و انواع سازهای یهودیان میتوان پی برد .

در اخبار یهود آمده که : « بعضی از کاهنان و روحانیان آنها هنگامی میخواستند از مغیبات خبر دهند ، نی‌زنی را میگفتند برای آنها نی بنوازند و در نتیجه تأثیر نوای نی، حالتی شبیه بخواب مغناطیسی در کاهن پیدا می‌شده ، آنگاه از آینده خبر میداده است . حضرت موسی ع از «یوبال»<sup>۴</sup> پدر نوازندگان چنگ «شالمو» یاد کرده است . در بارگاه سلیمان پادشاه یهود نوشته‌اند که خوانندگان با سنج و سیتار و هارپ وارد معبد میشدند ، دو روحانی با شیپورهای خود ورود آنان را اعلام میداشتند . در جشنهای مذهبی یهود سازهایی همانند سنج و طبل نواخته می‌شده است .

عیلامیها ساکنان قوم سرزمین استان خوزستان ، سازی شبیه به سنتور داشته‌اند و در آثار آنها دو نمونه از دسته نوازندگان و سرایندگان دیده شده است . این نمونه در موزه بریتانیا و یازده نفرند که چنگ و نی و سنتور و یک آلت دیگر شبیه به ضرب مینوازند . آشوریها برای خاطر خشنودی خدایان خود سرودها و آوازهایی داشته که میخوانده‌اند و هشت یا نه جور ساز داشته‌اند . از جمله آلات طربی که از این قوم پیدا شده ، چنگ ذات‌الوتار است که ۱۶ رشته سیم تار داشته و مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد میباشد . این چنگ سه گوش دارد و یک طرف آن پهن است .

موسیقی نماینده ذوق خدادادی و اندیشه مردم دنیای کهن و از هنرهای زیبا و نخستین جهان است که حتی پیش از آفرینش بشر بصورت صدای ریزش آب جویباران و آبشارها و زمزمه باد و حرکت برگ درختان و آهنگ دلنواز پرندگان خوش‌خوآن و مانند آنها ، جلوه‌گری مینموده است .

آنگاه که بشر آفریده شد ، طی صدها هزار سال عمر و پیمودن مراحل اولیه و ابتدائی تمدن ، همگام با بوجود آوردن زبان و واژه و بکار بردن آن ، در اثر هوش و غریزه فطری و خدادادی و انگیزه طبیعی ، از نغمه‌ها و آوای طبیعی بوسیله حنجره و آلات گوناگون موسیقی تقلید کرد و این هنر زیبا و شادی افزا را بوجود آورد .

موسیقی زبان حال بشر و نمودار احساسات و اندیشه‌هایی است که بصورت آهنگهای موزون و دلنواز ، جلوه مینماید . وضع جغرافیائی و اقلیم ، عواملی که بر حسب زمان در روحیات و معنویات مردم دست میدهد ، نیازمندیهای زندگی ، سابقه‌های تاریخی و پیشرفت فرهنگ و حتی دین ، در موسیقی اقوام و ملل تأثیر داشته ، و از همین جهت است که موسیقی کشورها و طوائف با یکدیگر اختلاف دارند .

آلات موسیقی اولیه بشر محدود بود ، از شاخ و پوست و صدف و عاج حیوانات وزه کمان و خیزران اسباب و ادواتی شبیه طبل و نی و شیپور و سنج و زنگ ساخته‌اند .

پژوهندگان و کاوشگران که کوششهای فراوانی برای خواندن لوحه‌های سومری پیدا شده در جلگه بین‌النهرین و نمایانیدن فرهنگ و هنر این قوم پیشرو و هنرمند باستانی بکار برده‌اند ، برآند که در یکی از لوحه‌ها بنواختن چنگ همراه با سرود آفرینش ، اشاره گردیده است و آنان موسیقی پیشرفته‌ای داشته و با آلاتی از قبیل طبل و سنج و زنگ و فلوت و بوق و شیپور و چنگ و عود ، آشنائی داشته‌اند.<sup>۱</sup>

درون گور یکی از پادشاهان «اور» شهر قدیمی سومر ، نقشی دیده شده که نمودار صحنه رقص بانوئی است در حال

مصریهای قدیم ۱۳ یا ۱۴ ساز مختلف داشته‌اند. بر بدنه گورهای پادشاهان باستانی مصر چند صحنه رقص نقاشی شده و پیکر کوچک يك رقاصه مربوط بحدود چهار هزار سال پیش از میلاد بدست آمده است.

بابلیها بیش از سایر کشورهای قدیمه باموسیقی سروکار داشته‌اند و نوشته‌اند که انواع سازها و خنیاگران و نوازندگان داشته‌اند. دانیال رهبر دین یهود در کتاب خود از انواع سازها و موسیقی عصرش که در بابل سپری شده، یاد مینماید.

فنیقی‌ها، لیدیها، فربکیه‌ها و درین‌ها و سایر اقوامی که تحت لوای شاهنشاهی بزرگ هخامنشی درآمدند، همه با موسیقی آشنا بوده، آلات و ادوات این هنر را داشته‌اند و چون همه این کشورها تحت نفوذ ایران درآمدند بنابراین اختلاط و نفوذ هنر موسیقی‌شان در موسیقی محلی و اصیل ایرانی بی‌تأثیر نبوده است.

اسپارتیها آوازه‌های دسته‌جمعی توأم با موسیقی ورقص داشته‌اند که برسم ریکرت اجرا میشده. این آوازه‌ها در تشریفات و مراسم دینی و جشنها و مسابقه‌ها اجرا میشده و هنگام برگذاری آن یکعده از شرکت‌کنندگان قسمت جالب رقص را انجام میدادند و با آنکه فقط یکعده دختران جوان قسمتهای ملایم سرود را میخواندند.

آنتیها در نیمه اول قرن پنجم پیش از میلاد اشعار شعرای حماسه‌گو و داستان‌سرا با آواز دسته‌جمعی توأم باموسیقی ورقص بافتن خردایان و قهرمانان میخواندند و وسائل موسیقی عبارت بوده است از چنگک و سینتار که بتدریج تعداد سیمهای آن به ۱۲ رشته رسیده بود.

در چین باستان هم موسیقی پایه رفیعی داشته و حکیم بزرگ چینی «کنفوسیوس» با آنکه تعلیم موضوعات عالی را ب مردم کم اندیشه غدغن کرده، درباره آموختن فن موسیقی تأکید کرده است. او معتقد بود که: «وقتی کسی موسیقی را درست فرا بگیرد دل و جان خود را با آن هم‌نوا سازد، قلب پر خلوص و آرام و سالم و طبیعی به‌سولت کمال مییابد، و کمال آن با سرور همراه است. . . . بهترین راه اصلاح آداب و رسوم اینست که . . . به تنظیم موسیقی کشور توجه شود. . . . آداب و موسیقی را هیچکس نباید دمی از نظر دور بدارد. . . . نیکخواهی، قرین موسیقی، و پرهیزگاری همراه با آداب نیکوست».

ژاپنیها معتقد بودند که موسیقی هم مانند زندگی از طرف خدایان به قوم ژاپن ارزانی گردیده است. ایزاناگی<sup>۱</sup> و ایزانامی<sup>۲</sup> (دو خدایانی که بامر خدایان سالخورده، ژاپن را آفریدند) هنگام آفرینش زمین سرود میخواندند و هزار سال بعد در سال ۴۱۹ امپراطور این‌کی‌یو<sup>۳</sup> هنگام گشایش يك قصر

جدید. واگون<sup>۴</sup> (نوعی قانون) نواخت و ملکه رقص کرد. وقتی که این‌کی‌یو درگذشت، پادشاه کره هشتادتن خنیاگر بژاپون فرستاد تا در مراسم تشییع جنازه او شرکت کنند. اینان دستگاهها و ابزارهای موسیقی تازه‌ای که از آن مردم کره و چین و هند بود بژاپونیان آموختند<sup>۵</sup>.

این بود مختصری از تاریخ و چگونگی موسیقی در کشورهای باستانی که بطور مقدمه بیان شد. اینک میپردازد باصل موضوع یعنی موسیقی در ایران از کهنترین ایام و در عهد هخامنشی.

## موسیقی در ایران باستان :

ایرانیان از همان دورانی که با سایر هم‌زادان خود یعنی طوائف آریائی در آغوش دشت و دمن بسر میبردند با نغمه‌های جانبخش موسیقی و خواندن سرود و عبارات منظوم، آن کشش و سروری را که دیدار مناظر دلپذیر طبیعت و آسمان صاف و نیلگون و رنگهای گوناگون افق، در هر پگاهی و شامگاهی بوجود می‌آورده، نمودار میساخته‌اند.

انگیزه‌هایی را که زیبایی و فریبندگی های این زندگی بی‌بندوبار و آزاد، در آغوش طبیعت، برای این مردم بوجود می‌آورده و با آهنگهای دلنواز غمزدا از دهان آنها بیرون می‌آمده، تاریخ در اثر نداشتن خط نتوانسته است آنها را ضبط نماید. اگر هر آینه ضبط شده بود، امروز ما از نحوه اندیشه و احساسات و تألمات آنان گنجینه‌های گرانبهائی داشتیم و لازم نبود بحس و مظنه متوسل شویم. همانطور که بقایای آثار هنریشان، گنجینه‌های فرهنگی ارزنده و جالبی را برای ما بیادگار گذارده است.

وجود قطعات مسجع و منظومی در ریگ ودا و اوستا، دواثر دینی و ادبی کهن آریای هند و ایران و موسیقی ورقص

۱ - تاریخ علم تألیف زرژ سارتن صفحه ۱۰۱ به نقل از Music of the Sumerian چاپ کمبریج سال ۱۹۳۷ تألیف F. W. Galpin

۲ - صفحه ۲۶۸ کتاب جهانهای گمشده تألیف آن تری وایت ترجمه آقای کیکوس جهاننداری .

3 - Jubal.

4 - Chalumeau.

۵ - تاریخ تمدن تألیف ویل دورانت «چین و همسایگانش» ترجمه آقای آریان‌پور صفحه ۲۹۸ بنقل از :

Li-Chi, XVII Brown Story of Conficius 181.

6 - Izanagi.

7 - Izanami.

8 - Inkyo.

9 - Wagon.

۱۰ - صفحه ۱۱۸۴ همان کتاب (تاریخ تمدن)

رایج در میان هندیان که از تشریفات مذهبی آنان بوده است، بخوبی وجود و اهمیت این هنر را در قبائل آریائی نمودار میسازد.

یک بخش مهم از اوستا «گائاه» مشتمل بر نیایش و سرودهای مذهبی است که با آهنگهای مخصوص و تشریفات ویژه‌ای هنگام نیایش اهورمزدا خوانده می‌شد، و سرودهای اوستا برای پذیرش حافظ مردم که از خط و سواد بی‌بهره بوده‌اند، آسان و موزون بوده و بعلاوه مفاهیم گفته‌ها هنگامی که منظوم و با آواز ادا می‌شد، در دلها بیشتر اثر میکرده است.

\*\*\*

از تاریخ موسیقی ایران در ادوار خیلی دور و حتی در دوره مخامشگی و اشکانی همانطور که گفته شد بواسطه دردست نبودن مدارک، مانند بعضی دیگر از تمدن این سرزمین، اطلاعات کافی و موثقی دردست نیست و همچنان تاریخ و مبهم مانده است، ولی با در نظر گرفتن تمدن‌نژادی و ارتباط با تمدن سایر کشورهای همسایه و تابعه که فی‌الجمله اشاره‌ای بدانها شد، میتوان تصور کرد که نوازندگان و خوانندگان و موسیقی‌دانانی داشته‌اند و با در نظر گرفتن ذوق و استعداد سرشار ایرانیان که بوجود آورنده کاخهای عظیم که از زیبایی و شکوه و هنر و تزئینات سرآمد کاخهای زمان خود و پیشی از آن بوده‌اند، به پیشرفت آنان در این فن نیز میتوان معتقد و مطمئن شد، منتها همانطور که هم‌اکنون گاهی نوازندگان قطعاتی میسازند و هنرنمایی مینمایند در حالی که از اصول و قواعد علمی این فن اطلاعات کافی ندارند، در گذشته هم تصور می‌رود که چندان مقیّد باجاء قواعد و ارتباط اصوات و الحان نبوده‌اند.

قسمتی از اطلاعات ما را در این باره روایات تاریخ‌نویسان یونانی و گفته‌های شاهنامه فردوسی و کتابهای دینی و مختصری از اشیاء و آلات موسیقی که احیاناً در کاوشها بدست آمده، تشکیل میدهد.

هرودوت تاریخ‌نویس یونانی مینویسد: «ایرانیان برای تقدیم نذر و قربانی بخدا و مقدسات خود مذبح ندارند و آتش مقدس روشن نمیکنند، بر قبور شراب نمی‌پاشند، ولی یکی از موبدان حاضر میشود و یکی از سرودهای مقدس دینی را میخواند.» شاید مقصود هرودوت همان قطعات گائاهای اوستا بوده است.

گرنفن تاریخ‌نویس دیگر یونانی نوشته است: «کوروش بزرگ هنگام حمله به سپاهیان آشور بنا بر عادت خود سرودی آغاز کرد که سپاهیان با صدائی بلند توأم با ادب و احترام

دنبال آنرا خواندند، و چون سرود پایان رسید، آزادمردان با گامهای برابر، با نظم و ترتیب تمام براه افتادند.»

در جای دیگر مینویسد: «کوروش برای حرکت سپاه چنین دستور داد که صدای شیپور، علامت حرکت و عزیمت خواهد بود و همینکه صدای شیپور بلند شد باید همه سربازان حاضر باشند و حرکت کنند.» و همچنین مینویسد، «در نیمه شب که صدای شیپور عزیمت و کوچ کردن بلند شد کوروش سردار سپاه را فرمان داد تا با همراهان خود در جلو صفوف منظم سپاهیان قرار گیرد. بعد کوروش گفت همینکه بمحل مقصود رسیدیم و حملات دوسپاه نزدیک شد، سرود جنگی را میخوانم و شما بی‌درنگ پاسخ مرا بدهید.» هنگام حمله چنانکه گفته بود کوروش سرود جنگ را آغاز کرد و سپاهیان همگی با وی هم آواز شدند.

سایر تاریخ‌نویسان یونانی نوشته‌اند که: «پادشاهان ایران هنگامی که بر خوردن طعام می‌نشستند، دسته‌ای از کنیزان به خنیاگری مشغول میشدند و رامشگری می‌کردند و می‌رقصیدند، نوازندگان و خنیاگران کشورهای تابعه چون بابل و هند و مصر در دربار بوده‌اند و بطوریکه نوشته‌اند در جنگ «ایسوس» پس از شکست داریوش سوم سیردویست‌زن نوازنده ضمن اسیران بدست پارمنیون سردار اسکندر افتاد. آنته مورخ قرن سوم میلادی از قول دوریس تاریخ‌نویس قرن چهارم پیش از میلاد، درباره تشریفات جشن مهرگان نوشته که: «در آن جشن در حضور شاهنشاه نوازندگان و خوانندگان به نوازندگی و خوانندگی میرداخته‌اند.»

در کتاب پهلوی «ایانکار زریران» عبارتی است بدین مضمون: «تمام لشکریانی که بکاخ و یشتاسپ احضار شدند، بصدای نای و طبل صف‌آرایی کردند.»

در سال ۱۳۳۶ خورشیدی، ضمن کاوشهای باستان‌شناسی پیرامون آرامگاه اردشیر سوم هخامنشی در تخت جمشید یک شیپور بلند فلزی که اینک در موزه تخت جمشید نگاهداری میشود، بدست آمد. بلندی این شیپور ۱۲۰ متر و قطر دهانه آن پنجاه سانتیمتر میباشد. این نوع شیپور را در قدیم «کرنا» یا «کارنای» یعنی (نای جنگی) مینامیده‌اند که هنگام جنگ بکار میرفته است. کار یعنی جنگ (کارزار از همین واژه است) و نای همان نی میباشد.

در دوران قدیم و عهد هخامنشی دودسته آلات موسیقی معمول بود: بعضی برای رزم و پاره‌ای جهت بزم. سازهای رزمی عبارت بوده است از کوس، کرنا، نی، شیپور، سنج و درای. فردوسی در شاهنامه بچند نوع آن اشاره کرده است:

تبی‌ره برآمد به‌ردو سرای

جهان پر شد از ناله کرنا

هوا تیره گشت از فروغ درفش  
تبرخون و شب گون وزردوبنفش  
برآمد دم نای و آوای کوس  
همی آسمان بر زمین داد بوس  
ز آواز شیپور و زخم درای  
همی کوه را دل برآمد زجای

\*\*\*

خروشی برآمد ز ایران سپاه  
تبییره زنان برگرفتند راه  
بایر اندر آمد دم کگرنای  
خروشیدن سنج و هندی درای

\*\*\*

بدانگه که لشکر بجنید ز جای  
تبییره برآمد بهر دو سرای  
زبس ناله بوق و کوس و درای  
همی آسمان آندر آمد زجای

پادشاهان و امیران و سران قوم و سپاه پس از هر جنگی  
و هنگام صلح و صفا مجالسی میآراستند که خالی از می و جام  
و خواننده و نوازنده و رامشگر نبوده است ، همانطور که  
فردوسی گفته :

سر سال نو هر مز فرودین  
برآسود از رنج تن ، دل زکین  
بزرگان بشادی بیاراستند  
می و جام و رامشگران خواستند

به فرمانش مردم نهاده دو گوش  
ز رامش جهان پرز آوای نوش

درباره مجلس بزم فرودین فرموده است :

بفرمود شاه آفریدون بدوی  
که دوآلت بزم شاهی بجوی  
نبیدآر و رامشگران را بخوان  
به پیمای جام و برآوای خوان  
کسی کو برامش سزای من است  
بدانش همه دل زدای من است  
بیار انجمن کن بر تخت من  
چنان چون سزد درخور بخت من

سخن را چو بشنید از کدخدا  
بکرد آنچه گفتش بدو رهنمای  
می روشن آورد و رامشگران  
هم اندر خورش با گهر مهتران

گاهی برای فتح و فیروزیها و ترغیب شاهان بکشور گشائی  
و سرکوبی شورشیان ، همین خوانندگان و سرودسازان و  
سرودخوانان ، نقش مهمی را ایفا میکردند که در اشعار  
فردوسی منعکس میباشد . از آنجمله تشویق و ترغیب کاوس  
است برای فتح مازندران . خواننده و نوازنده در این سرود ،  
پرده زیبایی از آب و هوا و چهار فصل معتدل و خواستهها و  
مواهب این سرزمین شاداب در ذهن شاه مجسم میسازد :

به بریط چو بایست برخاست رود  
بر آورد مازندران سی سرود  
که مازندران شاه را یاد باد  
همیشه برو بومش آباد باد  
هواخوش گوار و رمین پرنگار  
نه گرم و نه سرد و همیشه بهار

دی و بهمن و آذر و فرودین  
همیشه پر از لاله بینی زمین  
همه ساله خندان لب جویبار  
همه ساله باز شکاری بکار  
بتان پرستنده با باغ و رز  
همه نامداران زرین کمر

کسی کاندران بوم آباد نیست  
بکام از دل و جان خود شاد نیست

در شاهنامه منعکس است که وقتی بیژن داخل چادر  
منبیره میشود ، نوازندگان را می طلبد و میگساری میکند و  
نوازندگان ایستاده بریط و چنگ مینوازند و آوازه میخوانند .  
منبیره جوان را بکاخ خود میخواند و از نو جشنی برپا میسازد  
که در آن ششصد غلام ، رباب میزدند و آواز میخواندند و می  
در جامها میریخته اند .

کریستن سن از قول شاهنامه فردوسی نقل کرده که :  
« می و موسیقی نیروی تازه ای ب فکر برای نوشتن میدهد و شاید  
برای همین موضوع است که گودرز وقتی نامه پیران رئیس  
سپاهیان دشمن را مشعر بر تقاضای صلح دریافت میدارد ، برای  
تهیه پاسخ مدت یک هفته میگساری میکند در حالیکه نوازندگان  
در کنار او مینواختند و هر روز سفارش شراب و نوازنده و  
خواننده میدهد . تا اینکه موفق به نوشتن پاسخ میگردد . »